

۹۷۸-۶۲۲-۰۰۰-۱۹۸۹-۳ :

سبک

عنوان و نام پدید آور : خط عبور نویسنده محمد ابراهیم قاصدی

مشخصات نشر : خمین محمد ابراهیم قاصدی ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری : ۱۴۵ صفحه

موضوع : شعر فارسی - قرن ۱۴

سرشناسه : قاصدی محمد ابراهیم ۱۳۴۲

وضعیت فهرست نویسی : فهرست نشده

صفحه آرایی و تیپ : زهره هماجری

طراح جلد : مرجان زینی

چاپ اول : بهار ۹۹

تیراژ : ۱۱۰۰

قیمت : ۲۶۰۰۰ تومان

مرکز پخش - خمین - انعکاس شهر تلفن ۰۸۶-۴۶۲۳۳۸۰۳ - فکس ۰۸۶-۴۶۲۳۹۴۵۷

کلیه حقوق چاپ، ترجمه و غیره برای پدید آور و ناشر (محمد ابراهیم قاصدی) محفوظ است.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

الف

- آمدی اما حواسم پرت بود ۱۱۴ الی ۱۱۸
- آنان که یگان یکان خمیده ۸۱ و ۸۰
- اسبکی ز غم خریدم نیمه جان ۹۷ و ۹۶
- اگر چه دورم از فیرانگان محفلت ۴۷
- اگر حوا نبودی ۴۴ الی ۴۶
- اگر دریای چشمانت زنی آید به دیدارم ۳۹ و ۳۸
- ای دل آنگاه که از تربت منی گزیری ۲۲ و ۲۳
- ای زعفران رویت گم گشته در غریب ۵۷ و ۵۶
- ای کاش می شناختم ۱۱۹ الی ۱۲۲
- ای نام تو رهگشای پرواز ۷۵ و ۷۴
- این مژده که از نامه عشاق رسیدست ۶۹ و ۶۸

ب

- بار بار بار گرده بهار ۸۸ الی ۱۰
- باید از نو سرگرفت اندیشه را ۱۱۱ و ۱۱۰
- بتی جا مانده از دوران بربر ۱۰۷ الی ۱۰۰
- برای یک نفس باران دلم لک می زند ۱۱۳
- به امید تو روزم می شود شب ۴۳
- به چو گانت چو سر بازم جهان دیگر چه می ارزد ۴۰



عنوان

صفحه

- به خون دیده آلاله آید چشم گلزارت ۱۲ و ۱۳
- به ذهنم بت شکن آمد تبر دوش ۸۶ و ۸۷
- به رویا این شنیدم از درختی ۸۴ و ۸۵
- به شعاع در میخانه گشودی هنری ۷
- به گوشه گوشه خاکی که دودمان دادیم ۶۰ و ۶۱
- با بصف بو خرد غارت نمودی دلم ۷۲ و ۷۳
- بیا فند فریای اتر کنیم ۸۲ و ۸۳
- بی تو تری بستم نالان و سست ۱۸ و ۱۹
- پ
- پای دیوار بلند پنجره ۱۱۲
- ت
- تو در خیال من و من بی خبر از خیال تو ۶۲
- ث
- ثبت در عالم معنا شده این رای صواب ۲۸ الی ۳۱
- ج
- جانم به قربانت چرا دردت نمی گویی ۴۸
- جهانخوارا به هر کلکی دری پیمان ما ۱۴ الی ۱۶



ج

چندیست خبر زیار ما نیست ۶۶ و ۶۷

چه رو آورد روزی را به ترغیب ۹۴ و ۹۵

خ

خواب دیدم شبی دست در دستان باران ۱۲۳ و ۱۲۴

خوش بر هر هوای کوی جانان داشتن ۱۱ و ۱۰

د

در فضایی ز لب بر جام میریزد شکر ۲۱ و ۲۰

درک انشای علی بن ابی طالب یعنی نتوان ۳۳ و ۳۲

دستی نبرده باشی بر سینه ی باران ۵۵ و ۵۴

دل پر درد من آتشکده خون و ۷۱ و ۷۰

دل یکسان نمی جوشد چرا ایشان غریب ۱۷

دل نهاد آشتی بودم ولی روی نکردی ۹ و ۸

ر

رفتن آسان بود آندم که رضایت باشد ۳۰

ز

زاغ چشمی می کنی و می زنی حرف پدر ۳۷

زلزله دردی به جانم ریختی ۱۳۱ و ۱۲۷

س

سرم سنگین شد از درد ۱۲۶ و ۱۲۵

سزد سرزمین دست حرمان دهیم ۶۳ الی ۶۵



عنوان

صفحه

ش

- شبی در خواب دیدم درب منزل ۷۷ الی ۷۹
 شد آه گریبانم دیگر چه به سرداری ۴۹ الی ۵۳
 شیعه یعنی جود یعنی بخشش از جان ۱۳۸ الی ۱۴۲

ق

- ق: عزت و جاه و جلال آفتاب ۴۱ و ۴۲

ک

- گازری آشفته گس ۱۰۸ و ۱۰۹
 گدای شهرنگ کن که میر مجلس شد ۵۸ و ۵۹
 گریه رمز راز گدتن با حد است ۱۳۵ الی ۱۳۷
 گفت استاد ازل بنده سر شنیدم ۳۴ و ۳۵
 گفتم روم مصلی با یک بغل پر از گل ۹۸ و ۹۹

م

- مهربانی اثر عشق بود ورنه نبود ۲۶ و ۲۷
 مهی دارم که سازش کوک کوکه ۹۱ الی ۹۳
 میتوان با هم کنار جوی آبی برخوریم ۱۱۳ الی ۱۳۴

ن

- ندانم کدامین دری کوفتی ۷۶

ی

- یاد باد آنکه دل داد گری با ما بود ۲۴ و ۲۵

